

جرم انگاری پول شویی

علی مراد حیدری*

۱۳۱

تتقوق

چکیده:

پول شویی یا تطهیر پول در حقوق داخلی ایران اصطلاح جدیدی است که در چند سال اخیر مطرح و مباحثی پیرامون آن بیان شده است. در سطح بین‌المللی نیز قانونی جلوه دادن درآمدهای غیر قانونی و عواید حاصل از ارتکاب اعمال مجرمانه در نیمه دوم سده بیستم میلادی تحت عنوان «Money Laundering» (پول شویی) شناخته شده است. از آنجا که این پدیده آثار منفی فراوانی در زمینه‌های اقتصاد، امنیت، سیاست، و... برجای می‌گذارد، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و اکثر کشورهای جهان راه‌کارها و تدابیری را برای مقابله با این پدیده اتخاذ کرده‌اند که از جمله این راه‌کارها «جرم انگاری» و تعیین مجازات برای این عمل می‌باشد.

این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که: آیا در نظام حقوقی کشور ما - با توجه به مبانی فقهی - امکان جرم انگاری پدیده پول شویی وجود دارد یا خیر. در این راستا ابتدا به برخی ایرادات که در بدو امر به جرم انگاری پول شویی وارد است - نظیر قاعده ید، قاعده سوق و اصل صحت - اشاره شده و سپس مستنداتی که جرم انگاری پول شویی را توجیه می‌نمایند بیان گردیده است.

در این قسمت «مستندات بین‌المللی و منطقه‌ای» شامل اسناد و کنوانسیون‌های متعدد و «مستندات داخلی» شامل دو بخش «مستندات فقهی» - نظیر منع و تحریم اکل مال به باطل

* دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم)

و سیره امام علی (ع) - و «مستندات حقوقی» - نظیر اصل ۴۹ قانون اساسی ولایحه مبارزه با جرم پولشویی - می باشد.

واژگان کلیدی: پولشویی، جرم انگاری اسناد بین‌المللی.

مقدمه

بعضی از جرایم از لحاظ مالی سودآور بوده و درآمدهای زیادی را نصیب مجرمین می‌نماید. به عنوان مثال، جرایمی نظیر قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، قاچاق انسان، ارتشا، اختلاس و... پول زیادی را عاید مرتکبین این اعمال می‌نماید. باقی ماندن این پول‌ها به صورت اولیه ممکن است صاحبان آن را در معرض اتهام ارتکاب جرم قرار داده و تحقیق و پی‌گیری مأموران دستگاه عدالت کیفری منجر به ردیابی و کشف جرایم منشأ این پول‌ها گردد که این امر نیز منجر به تعقیب، توقیف و مصادره عواید مجرمانه می‌گردد. به همین علت مرتکبین جرایم سودآور برای سرپوش گذاشتن بر جرایم منشأ اموال نامشروع و هم‌چنین به منظور مصون نگه داشتن این اموال از خطر کشف و مصادره، مبادرت به انجام عملیاتی می‌نمایند که از آن طریق اموال غیرقانونی را به صورت قانونی و مشروع جلوه دهند و برای رسیدن به این هدف از شیوه‌های متعددی استفاده می‌نمایند. با این توضیح، در تعریف پولشویی می‌توان گفت: «پولشویی عبارت است از انجام هر گونه عملیاتی به منظور قانونی جلوه دادن درآمدهای غیر قانونی».

۱۳۲

تذوق

سال اول / تابستان ۱۳۸۳

تاریخچه جرم پولشویی

عملیاتی که امروزه به عنوان پولشویی شناخته می‌شود سابقه طولانی دارد؛ چنان‌که به نظر برخی از محققان: «هیچ‌کس نمی‌تواند واقعاً یقین داشته باشد که پولشویی اول‌بار چه زمانی شروع شده است. به هر حال ما می‌توانیم مطمئن باشیم که این عمل طی چند هزار سال اتفاق می‌افتاده است. در چین بعضی از بازرگانان حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح اموالشان را از دید حاکمانی که آن اموال را از آنان گرفته و آن‌ها را تبعید می‌کردند، مخفی می‌نمودند. علاوه بر اخفای دارایی، آن‌ها می‌بایست اموال را منتقل کرده و در مشاغلی در بیرون از ایالات و حتی بیرون از چین سرمایه‌گذاری می‌کردند. به این ترتیب ارکان پولشویی، اخفا، جابه‌جایی و سرمایه‌گذاری مال بوده است به گونه‌ای که ظاهراً شخص دیگری غیر از تحصیل‌کننده مال مدعی آن اموال گردد»؛ (Countermoney Laundering. Com poB. htm).

با وجود این، محققان دیگری معتقداند: «واژه پول‌شویی نشأت گرفته از مالکیت مافیا بر شست‌وشوخانه‌ها در ایالات متحده است. گنگسترهایی بودند که مبالغ کلانی پول نقد از طریق اخاذی، فحشا، قماربازی و قاچاق مشروبات الکلی به دست می‌آوردند. آن‌ها ناگزیر بودند منبعی قانونی برای این پول‌ها ترسیم نمایند. یکی از روش‌هایی که آن‌ها از طریق آن قادر بودند این کار را انجام دهند سرمایه‌گذاری در مشاغل قانونی در خارج از کشور و آمیختن درآمدهای نامشروع با درآمدهای مشروعی بود که از این راه به دست می‌آوردند. شست‌وشوخانه‌ها توسط این گنگسترها انتخاب شده بود چون آن‌ها مشاغل نقدی بودند و این یک فرصت مناسب برای افرادی هم‌چون آل‌کاپون بود که آن‌ها را خریده بودند»؛ (BillySteel.Laundryman.U-net.Com/Page2-wisml).

۱۳۳

تهدیه حقوق

برخی از نویسندگان نیز رواج این واژه را به زمان رسوایی واتر گیت در اواسط دهه هفتاد و به هنگام ریاست جمهوری نیکسون بر آمریکا مرتبط نموده و معتقداند از لحاظ حقوقی استفاده از این واژه اول‌بار در یک دعوای آمریکایی در سال ۱۹۸۲ صورت گرفته است؛ (حیدری، ۱۳۸۲: ۱۳۵).

به هر حال، جرم پول‌شویی امروزه در سطح بین‌المللی به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته و در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی جرم انگاری شده است که در قسمت‌های بعدی این مقاله به بعضی از این اسناد اشاره خواهد شد.

در حقوق ایران نیز علاوه بر وجود اصل ۴۹ قانون اساسی که دولت را موظف به ضبط و مصادره و استرداد ثروت‌های نامشروع کرده است و هم‌چنین وجود قوانین پراکنده‌ای در مورد مصادره عواید مجرمانه، در سال ۱۳۷۰ «قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است که در ماده ۳ این کنوانسیون شست‌وشوی عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر جرم شناخته شده است و مطابق ماده ۹ قانون مدنی ایران: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است». علاوه بر این و به صورت مشخص‌تری در تاریخ ۶/۲۷/۱۳۸۱ هیئت وزیران «لایحه مبارزه با جرم پول‌شویی» را به مجلس ارایه داده است که این لایحه مراحل نهایی را برای تبدیل شدن به قانون طی می‌نماید. به موجب ماده ۱ این لایحه: «جرم پول‌شویی عبارت است از هرگونه تبدیل یا تغییر یا نقل و انتقال یا تملک

دارایی با منشأ غیر قانونی، به طور عمدی و با علم به آن، برای قانونی جلوه دادن دارایی یاد شده».

۱ - ضرورت جرم انگاری پول شویی

عملیات قانونی جلوه دادن درآمدهای غیر قانونی یا به عبارت دیگر، «پول شویی» در صورتی که با موفقیت روبه‌رو شود، آثار منفی فراوانی در زمینه‌های اقتصاد، امنیت، تعادل سیاسی و حتی دستگاه عدالت قضایی به جای می‌گذارد. بنابراین برای جلوگیری از این عملیات باید راه‌کارهایی را در پیش گرفت. از جمله این راه‌کارها می‌توان به بالا بردن هزینه ارتکاب جرم در مقابل سود ناشی از ارتکاب جرم اشاره نمود. بدیهی است بیش‌تر مجرمینی که دست به ارتکاب جرایم سودآور می‌زنند مجرمین حساب‌گری هستند که با محاسبه هزینه ارتکاب جرم نظیر خطر کشف جرم، دستگیری، تعقیب و نوع و میزان مجازات از یک سو و محاسبه سود ناشی از ارتکاب جرم از سوی دیگر، یکی از دو راه ارتکاب جرم یا صرف نظر کردن از آن را انتخاب می‌کنند. از سوی دیگر، جرم‌انگاری و تعیین کیفر برای عمل غیر قانونی، هزینه ارتکاب آن عمل را تا حد زیادی افزایش می‌دهد؛ زیرا اگر در برابر یک عمل غیر قانونی، پاسخ غیر کیفری باشد هزینه ارتکاب جرم چندان بالا نیست ولی چنان‌چه واکنش در برابر آن عمل، کیفری و به صورت مجازات باشد هزینه ارتکاب جرم بالاتر می‌رود. بنابراین مسئله جرم‌انگاری یک عمل غیر قانونی عامل مهمی برای مقابله با آن محسوب می‌گردد و جرم‌انگاری پول شویی نیز از این قاعده مستثنا نمی‌باشد.

بحث جرم‌انگاری پول شویی از این زاویه نیز قابل توجه است که عملیات پول شویی سبب منتفع شدن و نتیجه گرفتن مجرمین و سازمان‌های تبهکار از جرایم سودآور خویش گشته و باعث ادامه یافتن و تکرار فعالیت مجرمانه می‌گردد. بنابراین از طریق جرم انگاشتن این عمل می‌توان با محروم نمودن مجرمین از عواید مجرمانه، انگیزه ارتکاب فعالیت‌های تبهکارانه را از آنان سلب نمود.

در مورد ضرورت تدوین قانون ضد پول شویی و تعیین مجازات برای عملیات پول شویی

نظریه‌های متعددی وجود دارد:

طبق یک نظر، مجازاتی که برای جرایم منشأ مانند اختلاس، ارتشا، قاچاق و... در نظر گرفته می‌شود کافی است. مطابق این نظر، این امر که مجرم با درآمدها و امکانات به دست آمده از جرم منشأ، مرتکب جرم دیگری به نام پول شویی می‌شود پذیرفته نیست؛ چون بر اساس این دیدگاه،

جرم پول‌شویی تداوم جرم اولیه است که مجرم برای گریز از مجازات به آن دست می‌زند. بر اساس دیدگاه دیگری، جرم پول‌شویی شکلی از معاونت و تسهیل در امر جرم منشأ است. بر اساس این نظریه اشخاصی مجازات می‌شوند که قصد پنهان کردن منبع نامشروع مال یا اخلال در تحقیق و رسیدگی در مورد منبع، ضبط، مصادره یا توقیف درآمد حاصل از جرم را دارند. دیدگاه دیگری که می‌توان آنرا دیدگاه غالب دانست، معتقد است هر گونه معامله روی اموال یا دارایی‌ها با آگاهی از این که مال مورد نظر از فعالیت‌های مجرمانه به دست آمده، برای تحقق جرم پول‌شویی کافی است؛ (جزایری، ۱۳۸۲: ۱۲۰).

۱۳۵

تسهیل

جرم انگاری پول‌شویی

با توجه به مطالب بالا و به رغم اختلاف نظر محققان در مورد جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای عملیات پول‌شویی، و با توجه به آثار زیان باری که این پدیده برجانبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به‌جای می‌گذارد، تردیدی در لزوم جرم‌انگاشتن و تعیین مجازات برای این پدیده باقی نمی‌ماند. با وجود این، ایرادهایی بر جرم‌انگاشتن پول‌شویی در نظام حقوقی داخلی وارد است که باید مورد توجه قرار گرفته و مبانی و مستندات - به خصوص مستندات فقهی - آن بررسی گردد.

۱. ایرادهای وارد بر جرم‌انگاری پول‌شویی

در ابتدای امر چنین به نظر می‌رسد که جرم‌انگاشتن عملیات پول‌شویی در نظام حقوقی کشور ما با ایرادهایی روبه‌رو بوده و با برخی از اصول حقوقی و قواعد فقهی هم‌چون قاعده ید، قاعده سوق و قاعده صحت در تعارض می‌باشد.

۱-۱) قاعده ید: مفهوم اماره ید تسلط و استیلائی عرفی داشتن بر چیزی است به صورتی که ذوالید متصرف بتواند هرگونه تصرفی در آن بنماید و از تجاوز دیگران بر آن جلوگیری نماید جز آنچه که قانون به آن تصریح کرده باشد؛ (محمدی، ۱۳۷۹: ۱۸۱). به عبارت دیگر، مفاد قاعده ید این است که استیلا و سلطه یک فرد بر یک شیء اثبات کننده مالکیت آن شخص است. طبع اصلی و اولیه تسلط انسان بر شیء نشانه مالکیت شخص و مملوکیت شیء است مگر آن‌که خلاف آن ثابت شود؛ (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۳۲). این قاعده در احادیث اسلامی با این عبارت بیان شده است: «من استولی علی شیء فهو اولی به»؛ (حر عاملی، بی‌تا، ج ۶: ۲۱۵). در ماده ۳۵ قانون مدنی نیز مقرر شده است: «تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر این‌که خلاف آن ثابت شود». در توضیح این ماده بعضی از حقوق‌دانان نوشته‌اند: «اماره تصرف ویژه اعیان اموال نیست و در منافع و حقوق

نیز اعمال می‌گردد؛ (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۴۹). شکل ارتباط این قاعده با موضوع بحث یعنی جرم انگاشتن پول‌شویی به این صورت است که اگر کسی مالی را در تصرف خود داشته باشد فرض بر این است که متعلق به خود او است و این تصرف اماره مالکیت شخص مزبور بر آن شیء است و او به استناد ماده ۳۰ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد»، می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن مال انجام دهد؛ به عنوان مثال، اگر کسی مبلغی پول یا شیئی گران قیمتی در اختیار داشته باشد، این استیلا و سلطه به وی اجازه می‌دهد که مثلاً آن پول را به حساب بانکی واریز کرده یا با آن کالاهایی بخرد یا آن را به حساب دیگری در نقطه‌ای دیگر منتقل نماید و یا این‌که شیء گران قیمت را به فروش رسانده یا آن را هبه نموده یا عمل دیگری با آن انجام دهد، البته در صورتی که مشمول ذیل ماده ۳۵ که مقرر می‌دارد: «مگر این‌که خلاف آن ثابت شود»، نگردد. ماده ۳۶ قانون مدنی که مکمل ماده ۳۵ این قانون است مقرر می‌دارد: «تصرفی که ثابت شود ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده معتبر نخواهد بود». در تفسیر این ماده برخی از محققان نوشته‌اند: «به موجب ماده فوق در مقام تنازع، بر شخص متصرف لازم نیست که منشأ و مبدأ مالکیت خویش را اثبات کند بلکه مدعی چنان‌چه با ادله کافی در دادگاه ثابت کند که تصرف ذوالید ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده است ید از ارزش و اعتبار ساقط خواهد شد»؛ (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۷۰). در همین زمینه رأی شماره ۴۳۰ تاریخ ۳/۱۳/۱۳۲۷ شعبه ۶ دیوان کشور بیان داشته است: «تصرف باید مشروع باشد، ولی متصرف نیازی به اثبات آن ندارد. در دعوای مالکیت، مدعی [در این‌جا دادستان] است که برای بی اعتبار کردن اماره تصرف، باید اثبات کند که تصرف ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نیست»؛ (متین دفتری، ۱۳۸۰: ۱۵). با این توضیح، چنان‌که اشاره شد، اگر شخصی مالی را در تصرف خود داشته باشد اماره‌ای است بر این‌که آن مال متعلق به خود او است و بنابراین می‌تواند هرگونه تصرفی که مایل باشد اعم از انتقال، معامله، هبه و... نسبت به آن انجام دهد و کسی نباید معترض او شده و مانع این حق قانونی گردد. با این‌حال، همان‌گونه که بعضی از محققین خاطرنشان کرده‌اند، «قانون مدنی غایت اماریت ید را تا اثبات خلاف آن دانسته است. مدلول این نکته همان است که... مفاد قاعده ید... چنان‌چه بینه با آن به معارضه برخیزد بی شک مغلوب خواهد شد و این همان منظور قانون مدنی است که می‌گوید: «مگر خلاف آن ثابت شود»؛ (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۷۰).

۲- ۱ قاعده سوق: یکی دیگر از قواعدی که جرم انگاشتن عملیات پول‌شویی را دچار مشکل

می‌سازد قاعده‌ای است که در لسان فقهی ما تحت عنوان «قاعده سوق» از آن یاد می‌شود. مفهوم این قاعده به طور خلاصه این است که اجناس و کالاهایی که در بازار مسلمانان وجود دارد و نقل و انتقالاتی که در آنجا صورت می‌گیرد اصل بر صحت این اعمال و حلیت و طهارت آن اجناس است. بنابراین اگر کسی وارد بازار مسلمانان گردد می‌تواند بدون جست‌وجو و تحقیق از مبنای مالکیت و طهارت آن اموال، آن‌ها را مورد خرید و فروش و استفاده قرار دهد؛ (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۵۵). «لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق». (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۸: ۲۱۵). در توضیح این حدیث برخی از محققین بیان داشته‌اند: «ظاهر این عبارت دال بر این است که اعتنا و توجه به برخی احتمالات - یعنی احتمال عدم طهارت در گوشت‌ها و پوست‌ها (و بقیه خوراکی‌ها و پوشیدنی‌ها) و احتمال این‌که مال متعلق به غیر باشد یا مال مسروقه بوده یا از طریق غضب حاصل شده باشد - موجب تعطیل بازارها و اختلال در معاملات مسلمانان می‌گردد که این امری است که نزد شارع غیر قابل قبول بوده و عدم اعتماد به بازارهای مسلمانان و ترتیب اثر دادن به این احتمالات نزد شارع منفور است؛ (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۵۶) مطابق این قاعده اگر در بازارهای مالی مسلمانان، اعم از بازارهای معاملات نقدی، بازار بورس، بانک‌ها و مؤسسات مالی و غیره معاملات و نقل و انتقال‌هایی انجام بگیرد اصل بر این است که مجموع این فعل و انفعالات صحیح و معتبر است و تحقیق و جست‌وجو از منشأ و منبع مالکیت آن اموال لازم نیست و ممنوع نمودن برخی از این مبادلات به احتمال این‌که این اموال از جرایم مقدمی ناشی شده است باعث بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی بازار مسلمین می‌گردد.

۱-۳ قاعده صحت: این قاعده در لسان فقهی ما به نام‌های قاعده صحت، اصل صحت و اصالة الصحة به‌کار رفته است؛ (محمدی، ۱۳۷۹: ۲۳۸)، در تعریف این قاعده گفته‌اند: «صحت در برابر فساد و بطلان است و نزد فقها صحت بدین معنا عبارت است از داشتن اثر مورد نظر مثل این‌که بیع موجب نقل و انتقال ثمن و مبیع شود و نکاح موجب به وجود آمدن رابطه زناشویی»؛ (همان: ۲۴۵). در مورد اعتبار این قاعده نیز چنین گفته‌اند: «اصالت صحت فعل غیر، اجمالاً از اصولی است که مورد اجماع فتوایی و عملی بین مسلمانان است». (انصاری، ۱۴۱۱ق، ۷۱۷) و حتی برخی معتقدند: «این اجماع منحصر به مسلمانان به اعتبار مسلمان بودنشان نیست، بلکه محور امور عقلا - با وجود اختلاف آن‌ها در آراء، مذاهب و عاداتشان - در همه زمان‌ها و عصرها بر این قرار گرفته است. چنان‌که با کمی تأمل در معاملات و سیاستشان معلوم می‌شود مادامی که فساد عمل غیر بر

ایشان ثابت نگردد به صحت آن حکم نموده و از کسی که مدعی فساد کاری است... مطالبه دلیل بر ادعایشان نموده و إلا در مترتب نمودن آثار صحت بر آن افعال درنگ نمی کنند؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۱۸). به عنوان مثال برای قاعده صحت می توان گفت: «هرگاه ملکی به فروش رفته و پس از آن یکی از طرفین مدعی صوری بودن معامله یا نامشروع بودن جهت معامله شود، اصل بر صحت معامله است تا هنگامی که مدعی بطلان، ادعای خود را ثابت کند؛ (محمدی، ۱۳۷۹: ۲۳۹). در مورد ضرورت پذیرش این قاعده نیز گفته اند: «این اصل مبتنی بر مصالح مسلمین است؛ زیرا چنانچه در زندگی روزمره اصل را بر فساد قرار دهیم و در کلیه اعمال و افعال مردم تفحص و تجسس کنیم و با هر پدیده‌ای با شک و تردید مواجه شویم، قوام و استقرار نظام مدنیت از بین می‌رود و در کار روزمره مردم اشکالات کلی بروز می‌کند. اسلام برای جلوگیری از این مفاسد به مسلمین حکم می‌کند اعمال مردم را در وهله اول و مادام که خلافش با ادله به اثبات نرسیده باید محمول و محکوم به صحت و حلیت و مشروعیت بدانند؛ (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۲۱۱).

با توجه به توضیحات ذکر شده، چگونگی ارتباط این قاعده با جرم‌انگاری پول‌شویی روشن‌تر می‌گردد؛ زیرا طبق این قاعده، مبادلات، نقل و انتقالات و فعالیت‌های مالی و تجاری اشخاص را باید بر صحت و مشروعیت حمل نموده و نباید جز در مواردی که دلایل کافی و قانع کننده‌ای وجود داشته باشد، در مورد منبع، مالکیت و دیگر اوصاف اموال مورد معامله تفحص و تجسس نمود. بنابراین در صورت ظن نسبت به فساد و عدم مشروعیت معاملات و نقل و انتقالات، اشخاص مظنون از حمایت این اصل برخوردار می‌باشند.

۲- مستندات جرم‌انگاری پول‌شویی

با وجود ایرادهای وارد بر جرم‌انگاری پول‌شویی شکی نیست که این ایرادها از آن قدرت و اعتباری برخوردار نیست که بتواند مانع از جرم انگاشتن این پدیده گردد و امروزه در اکثر کشورهای جهان پول‌شویی «جرم» شناخته شده است و در اسناد و کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای که در این زمینه تهیه و تصویب گردیده، به طور مکرر به کشورهای عضو توصیه شده است که این عمل را در قوانین داخلی خود جرم تلقی نمایند. گذشته از این، حتی در حقوق داخلی نیز مبانی و مستندات وجود دارد که جرم‌انگاری این عمل را به طور مستقل و با عنوان جزایی خاص توجیه و تجویز می‌نماید. با این بیان مستندات جرم‌انگاری پول‌شویی به دو بخش تقسیم می‌شود:

- مستندات بین‌المللی و منطقه‌ای؛

- مستندات داخلی.

باب اول: مستندات بین‌المللی و منطقه‌ای

از جمله اولین راه‌کارهایی که جهت مبارزه و مقابله با پول‌شویی، در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با این موضوع مورد توجه جدی قرار گرفته است جرم‌انگاشتن یا تعیین مجازات برای عملیات پول‌شویی است. بدیهی است تهدید به مجازات همیشه عامل مهمی جهت پرهیز از ارتکاب عمل به حساب می‌آید. بنابراین تعیین کیفر برای پول‌شویی هم می‌تواند اقدامی مفید و مؤثر در مقابله با این پدیده محسوب گردد.

۱۳۹

تهدیدات

در دهه‌های اخیر در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متعدد و مهمی اقدام به جرم‌انگاشتن پول‌شویی شده است که از جمله این اسناد و کنوانسیون‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

(۱) کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب

۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ وین؛ (The Vienna Convention:1988).

ماده ۳ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «هریک از اعضا اقدامات ضروری را به منظور تثبیت

جرایم کیفری تحت عنوان داخلی خود در صورت ارتکاب عمدی موارد زیر اتخاذ خواهد نمود:

(الف) ... (ب) - ۱ - تبدیل و یا انتقال اموال با علم به این‌که اموال مزبور ناشی از ارتکاب جرم و یا جرایم موضوع بند فرعی (الف) این بند بوده و یا مشارکت در جرم یا جرایم مزبور به منظور اخفا و یا کتمان اصل نامشروع اموال و یا معاونت با هر شخصی که در ارتکاب چنین جرم و یا جرایمی دست داشته است جهت فرار از عواقب قانونی اقدامات خود؛ (ب) - ۲ - اخفا و یا کتمان ماهیت واقعی، منبع، محل، واگذاری، جابجایی حقوق مربوط و یا مالکیت اموال مزبور با علم به این‌که این اموال از جرم و یا جرایم موضوع بند فرعی (الف) این بند و یا مشارکت در انجام چنین جرم و یا جرایمی ناشی گردیده است؛ (ج) مشروط بر اصول و مفاهیم مذکور در قوانین اساسی و یا عادی هر یک از اعضا: ۱- تحصیل، تملک و یا استفاده از اموال مزبور با علم به این‌که این اموال از جرم و یا جرایم موضوع بند فرعی (الف) این بند و یا مشارکت در انجام چنین جرم و یا جرایمی ناشی گردیده است؛ ۲- در اختیار داشتن تجهیزات و یا مواد و یا اشیای مذکور در جدول (ا) و (ب) با

علم به این که اقلام مزبور به منظور کشت غیر قانونی، تولید و یا ساخت مواد مخدر و یا داروهای روان‌گردان مورد استفاده قرار گرفته و یا خواهد گرفت؛ ۳- تشویق و یا ترغیب علنی دیگران به هر وسیله‌ای به منظور ارتکاب هریک از جرایم موضوع این ماده؛ ۴- شرکت، همکاری و یا تبانی در شروع به جرم و معاونت، مشارکت، تسهیل و تشویق ارتکاب هریک از جرایم موضوع این ماده». این کنوانسیون از این نظر که تنها عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر را مورد توجه قرار داده و شامل ثروت‌های ناشی از جرایم سودآور دیگر نمی‌شود ناقص است، اما از این جهت که مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است دارای اهمیت زیادی می‌باشد.

۲) کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی مصوب سال ۲۰۰۰ پالمو؛ (United Nation Convention against transnational organized Crime:2000)

در ماده ۶ این کنوانسیون آمده است: «هریک از دولت‌های عضو، باید مطابق اصول اساسی حقوق داخلی خود، قانون‌گذاری و اقدامات دیگری را که برای تثبیت جرم جزایی - در صورت ارتکاب عمدی اعمال زیر - لازم است، اتخاذ نمایند:

الف. (I) تبدیل یا انتقال دارایی با علم به این که آن دارایی‌ها عواید ناشی از جرم می‌باشد، به قصد اخفا یا تغییر منشأ نامشروع اموال یا کمک به هر شخصی که در ارتکاب جرم مقدمی نقش داشته برای گریز او از پیامدهای قانونی اعمالش؛

(II) اخفا یا تغییر ماهیت واقعی، منشأ، محل، وضعیت، جابجایی، مالکیت یا حقوق متعلق به اموال با علم به این که این گونه اموال عواید ناشی از جرم است.

ب. مطابق مفاهیم اساسی سیستم حقوقی خود: (I) تحصیل، تملک یا استفاده از اموال، مشروط به این که در زمان دریافت بدانند که چنین مالی درآمد ناشی از جرم می‌باشد.

(II) شرکت، همکاری یا تبانی برای ارتکاب، شروع به ارتکاب و معاونت (با حضور در صحنه جرم یا بدون حضور در صحنه جرم)، تسهیل و دلالت بر ارتکاب هر جرمی که مطابق این ماده مشخص شده است».

۳) کنوانسیون راجع به تطهیر، بازرسی، توقیف و مصادره عواید ناشی از جرم شورای اروپا مصوب ۱۹۹۰ استراسبورگ؛ (The Council of Europe Convention on laundering, search seizure and Confiscation of proceeds from crime: 1990)

این کنوانسیون در ماده ۶ با عنوان «Laundering offences»، جرایم مربوط به پول‌شویی را در

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ».

مفردات این آیه به خصوص دو واژه «أكل» و «باطل» نیازمند توضیحات زیر است: در مورد واژه «أكل» بعضی از محققان نوشته‌اند: «منظور از «أكل»، خوردن و فرو دادن لقمه و یا مطلق خوردن نیست که معنای لغوی این کلمه است. مقصود بر حسب آنچه مفسران گفته‌اند، مطلق تصرف است نه خصوص خوردن. به نظر این جانب مقصود خصوص تصرف حقیقی هم نیست بلکه معنایی مورد نظر است که شامل تصرفات اعتباری (تصرفات حقوقی) یعنی تملک و تصاحب هم می‌شود. البته علاوه بر تصرفات اعتباری مانند بیع و صلح، ترتیب اثر عملی دادن به آن‌ها را شامل است. معنای کلمه خوردن در مثل: مال مردم خوردن یا ربا خور و نظیر این‌ها هم همین معنا است»؛ (گرجی، ۱۳۸۰: ۲۴) .

در مورد واژه «باطل» هم گفته شده است: «هر چیزی که حق نباشد باطل خواهد بود»؛ (ابن منظور، بی تا، ج ۱۱: ۵۶).

هم چنین نویسنده تفسیرالمیزان در این باره می‌گوید: «معنای کلمه أكل - خوردن - معروف است و آن این است که خوردنی را به وسیله لقمه گرفتن و جویدن و بلعیدن مثلاً داخل جوف کنیم و چون معنای تسلط و انفاذ در این عمل نهفته است، از این رو به این اعتبار کلمه (أكل) در مواردی که تسلط و انفاذ در کار باشد نیز استعمال می‌شود؛ مثلاً می‌گویند: «أكل فلانُ المالَ» (فلانی مال را خورد) که معنایش این است که در آن تصرف کرد و بر آن مسلط شد». (طباطبایی؛ ۱۳۸۰، ج ۴: ۴۹۹). هم‌چنین ایشان در مورد کلمه «باطل» می‌فرماید: «و کلمه باطل در مقابل حق است که به معنای امری است که به نحوی ثبوت داشته باشد، پس باطل چیزی است که ثبوت ندارد»؛ (همان، ج ۲: ۷۴). و نیز اضافه کرده است: «مجموع جمله (و لا تأكلوا أموالكم بينكم) وقتی مقید به قید (بالباطل) می‌شود نهی از معاملات ناقله از آن استفاده می‌شود؛ یعنی معاملات که نه تنها اجتماع را به سعادت و رستگاری نمی‌رساند بلکه ضرر هم می‌رساند و جامعه را به فساد و هلاکت می‌کشاند»؛ (همان، ج ۴: ۵۰۰).

صاحب تفسیر «الجامع لأحكام القرآن» نیز در ذیل آیه ۱۸۸ بقره می‌نویسد: «والخطاب بهذه الآية يتضمّن جميع أمة محمد(ص) والمعنى: لا يأكل بعضكم مال بعضٍ بغير حقّ. فيدخل في هذا: القمارُ و الخداعُ و الغصوبُ و جحدُ الحُقوق و ما لا تطيبُ به نفسُ مالِكه أو حرّمه الشريعة وإن طابت به نفسُ

مالک»؛ (قرطبی، ۱۹۸۵، ج ۲: ۳۳۸). به نظر این مفسر، مصادیق باطل شامل قمار، حيله و نیرنگ، غصب، انکار حق و آنچه مالک آن راضی نبوده و یا آنچه که شرع تحریم نموده باشد - هر چند صاحب آن راضی باشد - می‌گردد.

صاحب «تفسیر القرآن العظیم» هم در ذیل آیه ۲۹ سوره نساء می‌نویسد: «نهی تبارک و تعالی عباده المؤمنین عن أن يأكلوا أموال بعضهم بعضاً بالباطل. أی: بانواع المكاسب التي هي غير شرعية كأنواع الرِّبا و القمار و ماجری مجری ذلك من سائر صنوف الحیل و إن ظَهَرَتْ في قالب الحكم الشرعي»؛ (ابن کثیر، ۱۹۹۴، ج ۱: ۵۸۶). یعنی خداوند تبارک و تعالی بندگان مؤمنش را از این که بعضی از آن‌ها اموال دیگری را به باطل بخورند نهی فرموده است؛ یعنی به واسطه انواع معاملاتی که غیر شرعی است نظیر ربا، قمار و هر آنچه که در همین مجرا جریان داشته باشد از سایر گونه‌های حيله و نیرنگ، هر چند که آن معاملات در قالب حکم شرعی ظاهر و نمایان شود.

مرحوم امین الاسلام طبرسی هم در تفسیر «مجمع البیان» بعد از آن که در معنای باطل، وجوه و احتمالاتی نظیر رباخواری، رشوه‌گیری، غصب و تصرفات عدوانی، مبادلات غیر مشروع و فاسد، درآمدهای نامشروع، خوردن مال یتیم و... را نقل می‌کند، چنین می‌گوید: «والاولی حمله علی الجمیع، لأن الآیة تتحمل الكل»؛ (طبرسی، بی تا، ج ۱: ۱۳۴). یعنی نظر ارجح، حمل آیه بر همه این وجوه است، چون آیه همه آن‌ها را در برمی‌گیرد.

فخر رازی هم در تفسیر خود به گستردگی و عمومیت «باطل» تصریح کرده و همه اقسام و انواع تصرفات ممنوع و حرام و احتمالاتی که در معنای باطل ذکر شده را مشمول آیه می‌داند: «و کلّ هذه الأقسام داخله تحت قوله «ولا تأكلوا أموالکم بینکم بالباطل»؛ (فخر رازی، بی تا، ج ۱۰: ۶۹) صاحب تفسیر المنار نیز در ذیل آیه ۱۸۸ سوره بقره بعد از ذکر مصادیقی از اکل مال به باطل می‌نویسد: «و یدخلُ فيه سائر ضروب التعدی و الغش و الاحتيال...»؛ (رشید رضا، بی تا، ج ۲: ۱۹۶). یعنی سایر شکل‌های تعدی و غش در معاملات و حيله و تقلب نیز داخل در معنای اکل مال به باطل می‌شود.

با توجه به مباحث لغوی و تفسیری مطرح شده در باره آیات مورد بحث و با مروری بر آیات و روایات در می‌یابیم که «باطل» بر اموری هم چون رباخواری، رشوه‌گیری، سوگند دروغ، ظلم و ستم، قمار بازی، خوردن مال یتیم، لهو و لعب، غصب و تصرفات عدوانی، هر شیء پلید، مبادلات

و معاملات غیرمشروع و فاسد، درآمدهای نامشروع، صرف اموال در مسیرهای حرام و ناپسند و بالاخره بر هر غیر حقی و هر نوع استفاده غیر عقلایی از اموال و دارایی‌ها اطلاق شده است.* بنابراین «باطل» محدود و منحصر به موارد خاص نیست بلکه مفهوم وسیع و عامی دارد و هرگونه تجاوز به حقوق و تصرف در اموال دیگران، اموال عمومی و انفال و حتی تصرفات ناروا و غیرمشروع در اموال خویش و نیز کارهایی از قبیل ربا، رشوه، قمار، ظلم و ستم، غصب و... را در بر می‌گیرد؛ زیرا «باطل» در مقابل «حق» قرار دارد و هرچه غیرحق باشد، باطل به حساب می‌آید. از نظر اسلام، هرگونه تصرف در اموال و دارایی‌ها باید بر اساس حق و عدالت و بر مبنایی صحیح صورت گیرد و هرچه به غیر از این باشد، حرام و باطل است. براساس این، تحصیل درآمد از راه‌های غیرمشروع و با استفاده از ابزار و وسایل غیر مجاز، حرام است و «باطل» به عمومیت و اطلاقی همه را شامل می‌شود، حتی مطابق آنچه برخی گفته‌اند، گستردگی معنای باطل نیز همین را اقتضا می‌کند. نه تنها تحصیل درآمد از راه‌های ناصواب، که صرف و خرج آن در مسیرهای حرام و ناپسند نیز باطل است. در جامعه اسلامی هم دخل و هم خرج، هم تولید و هم توزیع باید با معیارهای صحیح و مشروع انجام پذیرد (اسماعیلی، ۱۳۷۳: ۱۲۹). در مورد انواع و اقسام «باطل» و ملاک شناخت آن، بعضی از صاحب‌نظران معتقداند: «باطل دو نوع است: باطل شرعی و باطل عرفی. چیزی که از ناحیه شرع بر بطلان آن تصریح شده باشد، باطل شرعی نام دارد مانند ربا، قمار، ظلم، غصب و... و چیزی که در تشخیص و فهم عرف باطل باشد، باطل عرفی نامیده می‌شود. اکنون باید دید منظور از «باطل» در این آیات چیست؛ باطل شرعی یا عرفی.

به عبارت دیگر، در مواردی که از شرع دستوری نرسیده، تشخیص باطل از غیر باطل و شناختن مصداق‌های آن به چه کسی محول شده است. باطل در آیات شریفه، هر دو قسم را در بر می‌گیرد. نظر عرف در تشخیص این‌گونه امور اعتبار دارد. باطل نیز مانند الفاظ دیگر، به عرف مربوط می‌شود؛ همان‌گونه که شیخ انصاری در بسیاری از موارد، تشخیص مصداق باطل را به عرف مربوط می‌داند. وی در کتاب بیع، بر لزوم آن، به آیه شریفه «ولا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل» استناد می‌کند: «و منها قوله - و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل - دلّ علی حرمة الأکل بکلّ وجه یسمی

* برای مطالعه روایاتی که متعرض مصادیق مذکور شده‌اند ر. ک: طبرسی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳۴.

باطلاً عرفاً». به نظر شیخ انصاری از دلایل این حکم (لزوم بیع)، قاعده حرمت «أكل مال به باطل» است، زیرا عرف، رجوع و تصرف هریک از خریدار و فروشنده را پس از تمام شدن معامله، در مال فروخته شده، باطل و ناروا می‌داند و آن را از مصادیق «أكل مال به باطل» می‌شمارد. روشن است اساس و پایه استدلال شیخ در این مسئله بر فهم عرف از باطل قرار دارد. علاوه بر شیخ، فقیهان دیگری، از جمله امام خمینی، ملاک در شناخت باطل را فهم عرف دانسته‌اند. امام خمینی می‌نویسد: «هذا كَلِّه بناءً على أن المراد بالباطل هو المعنى العقلاي و العرفي كما هو ظاهر كلَّ عنوان أخذ في الاحكام».

۱۴۵

تهدیه حقوق

مجموعه آثار نگاری پهل ششمین

اساس این استدلال بر این استوار است که مراد از «باطل»، باطل عرفی باشد؛ چنان‌که همه عنوان‌هایی که در موضوع احکام اخذ شده‌اند به تشخیص عرف بستگی دارند. در این سخن، امام خمینی علاوه بر این‌که بر فهم عرف از باطل تأکید می‌کند، اساساً فهم همه الفاظ و عنوان‌هایی که در موضوعات احکام اخذ شده‌اند را محول به عرف می‌داند (اسماعیلی، ۱۳۷۳: ۱۳۱).

اما در این مورد که منظور از «باطل» در آیه صرفاً باطل شرعی است یا این‌که اعم از باطل شرعی و عرفی است، فقها اختلاف نظر دارند:

به نظر برخی فقها، از جمله مرحوم آیت‌الله خویی، هرچه در شرع و به موجب آیات و روایات به بطلان آن تصریح شده باشد این قاعده آن را در بر می‌گیرد و غیر آن مشمول آیه شریفه مورد بحث نمی‌باشد (خویی، بی‌تا، ج ۲: ۱۴۱). اما بعضی دیگر از فقها از جمله امام خمینی این نظر را نپذیرفته و معتقداند مفاهیم الفاظ - در تمام ابواب و بخش‌های فقه - به تشخیص عرف واگذار می‌شود و در مورد کلمه مورد بحث نیز می‌فرمایند: «و أمّا لو أريد به ما هو بغير الوجه الشرعي و من مقابله بالوجه الشرعي كما قال به الأردبيلي، فيسقط الاستدلال بها على البيع فضلاً عن غيره، لأنه مع الشك في اعتبار شيء فيه تصير الشبهة مصداقية لكنّه احتمال ضعيف (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۵). به این ترتیب امام خمینی نظر اول را ضعیف دانسته و می‌فرماید: اگر منظور از باطل، باطل شرعی باشد و فهم عرف کنار گذاشته شود، همان‌گونه که محقق اردبیلی تصور کرده است، در هنگام شک در بطلان امری، نمی‌توان به آیه استدلال کرد، زیرا تمسک به آن، تمسک به عام در شبهه مصداقيه است که باطل و غیر قابل قبول است. آنچه از بحث مربوط به انواع و

اقسام «باطل» و ملاک تشخیص آن با موضوع مورد بررسی این مقاله ارتباط پیدا می‌کند این است که «باطل»، مفهوم عامی داشته و شامل باطل شرعی - یعنی آنچه که در شرع به بطلان آن تصریح شده - و باطل عرفی - یعنی آنچه که عرف آن را باطل تلقی نماید - می‌گردد و از طرفی تشخیص مفهوم الفاظ یک امر تعبدی نمی‌باشد بلکه همان‌گونه که امام خمینی (ره) تصریح می‌فرمایند، همه عناوینی که در موضوع احکام به کار رفته است ملاک و معیار تشخیص مفهوم آن عرف بوده و فهم الفاظ به عرف مربوط است و از آنجا که عرف انجام عملیات مزورانه‌ای که منجر به اخفای منبع تحصیل عواید نامشروع و غیر قانونی و دادن صورت و ظاهری موجه و مشروع به این‌گونه اموال و در نهایت انتفاع از سود مجرمانه و اکل چنین درآمدهایی بشود را امری «باطل» و ناحق تلقی می‌نماید، از این رو عملیات پول‌شویی به عنوان یکی از مصادیق بارز عرفی «اکل مال به باطل» تلقی شده و مشمول آیه شریفه می‌باشد. نکته دیگری نیز که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد این است که در منابع اسلامی، در بسیاری از موارد، تعبیر «اکل سحت» مرادف با «اکل مال به باطل» به کار رفته است و بر اموری چون رشوه، قمار، غضب و نیز درآمدهایی که از طریق جادوگری، لهو و لعب و خرید و فروش اعیان نجسه و... به دست آید اطلاق شده است. گرچه واژه «سحت» در اصل به معنای قطع کردن، بریدن و استیصال است و با مفهوم «باطل» تفاوت دارد، ولی از آنجا که به کسب‌های حرام و اموالی که از راه‌های خلاف شرع و به شیوه‌های غیر قانونی به دست آید، «سحت» گفته شده، معنایی شبیه «باطل» دارد. لفظ «سحت» نیز هم‌چون «باطل» عمومیت دارد و اگرچه در پاره‌ای از آیات و روایات بر مصادیق خاصی تطبیق و تفسیر شده ولی پیداست که اختصاصی به آنها ندارد و هر نوع حرام‌خوری و درآمد نا مشروع را شامل می‌شود. قطب الدین راوندی در ذیل آیه «أَكْلُونَ لِلسَّحْتِ» (مائده (۵): ۴۲) با اشاره به موارد متعدد «سحت» در روایات می‌نویسد: «والآیة تدل علی جمیع ذلك بعمومها». بر اساس این، اموالی که انسان به ناحق و از راه‌های حرام و باطل به چنگ می‌آورد «سحت» است و در حقیقت، «سحت»، برکت و حیات و سلامت اجتماعی را از بین می‌برد و باعث رکود و سکون می‌گردد. در باطل نیز همین تعریف جریان دارد. از این رو می‌توان گفت: «سحت» و «باطل» گرچه از نظر

لغوی تفاوت‌هایی باهم دارند، ولی در بسیاری از جهات مشترک می‌باشند و در مواردی «سحت» مشمول اصل «أكل مال به باطل» می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۷۳: ۱۳۷). با این بیان چنانچه مفهوم «سحت» را مترادف با مفهوم «باطل» و «أكل السحت» را به معنای «أكل به باطل» بدانیم، با توجه به مطالبی که در مورد رابطه أكل مال به باطل با عملیات پول‌شویی بیان شد، می‌توان گفت عملیات پول‌شویی از مصادیق «أكل السحت» محسوب می‌گردد که در قرآن کریم و روایات وارد شده در این زمینه امری مذموم شمرده شده و مرتکبین آن مورد سرزنش قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که در آیه ۴۲ سوره مبارکه مائده در سرزنش یهودیان می‌فرماید که آنها «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ» هستند؛ یعنی شنونده دروغ و خورنده سحت و حرام می‌باشند.

۱۴۷

تهدیه حقوق

با توجه به مطالبی که در مورد حرمت «أكل مال به باطل» گفته شد و نیز با عنایت به معنایی که از «باطل» به دست آمد، باید گفت انتفاع از سود ناشی از فعالیت‌های نامشروع از طریق اقدام به عملیاتی که موجب مشروع جلوه دادن آن عواید و اموال می‌گردد، از مصادیق «أكل مال به باطل» است که از جمله محرمات محسوب می‌گردد. از سوی دیگر می‌دانیم که شارع مقدس برای ارتکاب اعمال حرام عقوبت‌هایی را در نظر گرفته است که گاه نوع و مقدار آن عقوبت را نیز بیان فرموده است، نظیر زنا، شرب خمر و ... اما در بسیاری از موارد، شارع مقدس نوع و مقدار کیفر را مشخص نکرده بلکه بدون تعیین نوع و مقدار آن، آن عمل را مستوجب کیفر دانسته است که این‌گونه اعمال نیز دو صورت دارند:

۱- گاه خود شارع به وجوب عقوبت برای آن عمل حرام تصریح نموده است؛ مثلاً در عبارت فقها آمده است: «إِذَا دَخَلَ رَجُلٌ تَحْتَ فِرَاشِ امْرَأَةٍ أجنبية عَزْرًا» یعنی هرگاه مرد اجنبی داخل رختخواب زن نامحرمی گردد تعزیر می‌شود و دلیل آنرا وجود روایتی از حضرت علی (ع) در مورد تعزیر نمودن چنین شخصی ذکر کرده‌اند؛ (خویی، ۱۴۲۲ق: ۴۲۰)

۲- گاه خود شارع به وجوب عقوبت برای آن فعل حرام خاص تصریح نکرده است ولی به صورت کلی قاعده‌ای را بیان کرده و تطبیق این حکم کلی بر مصادیق و موارد جزئی را برعهده حاکم شرع واگذار نموده است. بنابراین با احراز «حرمت» یک عمل از

کتاب
انگاری
پول
شویی

یک سو و با وجود قاعده «التعزیر لکلّ عمل محرّم*» و «التعزیر بید الحاکم» از سوی دیگر، می‌توان گفت در مورد اعمال حرامی که شارع مقدس تصریح به وجوب عقوبت و کیفر برای آن‌ها نکرده، تعیین نوع و میزان مجازات بر عهده حاکم مسلمین است. برای توضیح این قسم از تعزیرات به بیان نظر آیت‌... خوئی در کتاب مبانی تکملة المنهاج اشاره می‌شود. ایشان در مسئله ۲۸۲ این کتاب می‌فرماید: «مَنْ فَعَلَ مُحَرَّمًا أَوْ تَرَكَ وَاجِبًا إِهْيَاءً عَالِمًا عَامدًا عَزَّرَهُ الْحَاكِمُ حَسَبَ مَا يَرَاهُ مِنَ الْمَصْلُحَةِ»؛ یعنی هر کس با علم و به عمد عمل حرامی را انجام داده یا واجب الهی را ترک نماید حاکم بر حسب آنچه مصلحت ببیند او را تعزیر می‌کند. ایشان ادله این حکم را این‌گونه بیان می‌نماید:

اول این‌که: امام علی(ع) در موارد متعددی این کار را کرده است؛ همان‌گونه که از برخی روایات در ابواب مختلف این امر ظاهر می‌شود و به روشنی دلالت بر مشروعیت تعزیر دارد. دوم این‌که: اسلام اهتمام به حفظ نظام مادی و معنوی و اجرای احکام در مجاری آن دارد و طبیعی است این امر اقتضا می‌کند حاکم هر کس را که از این نظام تخلف نماید تعزیر کند. سوم این‌که: نصوص خاصی که در موارد مخصوص وارد شده است دلالت بر این دارد که حاکم حق تعزیر و تأدیب دارد.

چهارم این‌که: در عده‌ای از روایات وارد شده که خداوند برای هر چیزی حدی معین فرموده است، از جمله معتبره سماعه از امام صادق(ع) که می‌فرماید: «أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ كَانَ لَهُ حَدًّا؛ یعنی هر چیزی حدّ و مرزی دارد و هر که از آن حدّ تجاوز نماید برای او حدّ خواهد بود [یعنی مستحق عقوبت خواهد شد]. [همان: ۴۰۸].

بنابراین با توجه به استدلال‌های ذکر شده در جواز تعزیر کسی که عمل حرامی را انجام می‌دهد و با در نظر داشتن قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم من المصلحة دون الحدّ» و پذیرفتن این مطلب که انتفاع از عواید ناشی از فعالیت‌های نامشروع از طریق انجام عملیات مزورانه و شکل و ظاهر قانونی بخشیدن به دارایی‌های واقعاً نامشروع، «أکل مال به باطل» محسوب می‌شود که مورد نهی

* هر چند قاعده «التعزیر لکلّ عمل محرّم» مورد پذیرش اکثر فقهای شیعه قرار گرفته است، اما با این حال بعضی از فقها - از جمله شهید ثانی - این قاعده را قبول ندارند. برای مطالعه نظرات مختلف در این زمینه ر. ک: صافی، لطف‌...، التعزیر (انواعه و ملحقاته)، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۴: ۱۳۹.

آیه کریمه و حرام است، بنابراین هر عملیات پول‌شویی که موجب «اَکَل مال به باطل» از این طریق می‌گردد حرام و قابل تعزیر است.

با این بیان معلوم می‌گردد اعمالی که در حالت عادی جایز و مباح می‌باشد چنان‌چه به قصد مشروع جلوه دادن یک عمل نامشروع ارتکاب یابد، حرام و ممنوع می‌شود. توضیح این‌که: اعمال ارادی که انسان‌ها انجام می‌دهند به طور ذاتی و فی نفسه دارای وصف حلال یا حرام نیست بلکه حلیت یا حرمت آن‌ها ناشی از جواز یا عدم جواز در شرع است؛ به عنوان مثال، عمل «قتل» و «ازهاق نفس» فی نفسه دارای وصف «جرم» بودن نیست بلکه ازهاق نفسی که شرع یا قانون مجاز نداند «گناه» و «جرم» است. همان‌طور که اگر ازهاق نفس در جهت اجرای حکم اعدام توسط مأمور دولت صورت گیرد نه تنها مستوجب مجازات نیست بلکه پسندیده و قابل تحسین نیز می‌باشد. هم‌چنین افعال دیگر نیز در صورتی حرام یا جرم محسوب می‌شود که مورد نهی شارع یا قانون‌گذار قرار گرفته باشد. بنابراین چنان‌چه عمل نقل یا انتقال پول، تبدیل یا خرید و فروش اموال، هبه و... به قصد فعالیت تجاری و پیشرفت اقتصادی کشور و در محدوده مقررات انجام گیرد مباح و جایز می‌باشد، اما چنان‌چه این اعمال و اعمال مشابه دیگر به قصد متقلبانه و به منظور مشروع جلوه دادن دارایی‌های نامشروع و در نتیجه انتفاع و استفاده از عواید نامشروع آن باشد، حرام و غیر مجاز شناخته شده و مستوجب کیفر و تعزیر محسوب می‌شود.

ب) سیره امام علی(ع)

علاوه بر مطالبی که تاکنون در مورد منع و تحریم «اَکَل مال به باطل» در اسلام بیان شد، باید گفت آموزه‌های کیفری اسلام، به خصوص سیره پیشوایان دین نیز این مسئله را مورد توجه قرار داده است؛ به گونه‌ای که مراجعه به آن‌ها تردید درباره جواز مقابله و برخورد با این عمل را از بین خواهد برد. چنان‌که امام علی(ع) در خطبه ۱۵ نهج البلاغه در مورد استرداد عطایایی که خلیفه سوم از بیت‌المال به نزدیکان خود بخشیده بود چنین می‌فرماید: «والله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الاماء لَرَدَدْتَهُ...؛ یعنی به خدا سوگند، آن‌چه از عطایای عثمان و آن‌چه بیهوده از بیت‌المال مسلمین به این و آن بخشیده اگر بیابم به صاحبش برمی‌گردانم، اگر چه زنانی را با آن کابین بسته و یا کنیزانی را با آن خریده باشند»؛ (امامی، ۱۳۷۵: ۹۳).

ابن ابی الحدید در شرح این خطبه می‌نویسد: «علی(ع) در روز دوم بعد از بیعت که در مدینه انجام گرفت خطبه‌ای خواند و فرمود: بدانید هر قطعه زمینی که عثمان بخشیده

و هر مالی از مال الله که به ناحق داده شده به بیت‌المال برگردانده می‌شود، زیرا هیچ چیز حق قدیم و ثابت را باطل نمی‌کند و اگر آن اموال را پیدا کنم به حال اولش برمی‌گردانم اگرچه مهریه زنان قرار گرفته و در مناطق مختلف پراکنده شده باشد»؛ (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق: ۲۶۹).

ارتباط این مطلب با موضوع پول‌شویی به این صورت است که اگر تصاحب و تملک ناحق اموال بیت‌المال را به عنوان یک جرم مقدم در نظر بگیریم، به جریان انداختن این اموال نامشروع در کانال‌های مشروعی مثل قرار دادن آن‌ها به عنوان کابین و مهر زنان و اعمال دیگر، مصداق بارز و آشکار تطهیر و شست‌وشوی درآمدهای نامشروع است و دستور امام معصوم (ع) مبنی بر مصادره اموال و املاک در هر زمان و مکان و در دست هر کسی که باشد، حجّت است بر این‌که اگر مبنای عملی نامشروع باشد، ادامه و دنباله آن نیز تا هر مرحله‌ای که پیش رود نامشروع و باطل بوده و سبب حلال شدن حرام سابق نمی‌گردد، از این‌رو این اموال و دارایی‌ها در هر وضعیت و موقعیتی که یافت شوند باید به حال اولیه خود بازگردانده شده و با مرتکبین آن نیز برخورد شود.

بند دوم: مستندات حقوقی

منظور از مستندات حقوقی در مورد پول‌شویی، بررسی متن «قانونی» و به عبارت دیگر، «عنصر قانونی» پول‌شویی نیست؛ زیرا صرف نظر از فقدان چنین متنی در حقوق ایران، در صورتی که چنین قانونی وجود داشت، دیگر نیازی به جست و جوی «مستند حقوقی» برای آن نبود. بنابراین مقصود از این عبارت، یافتن زمینه و بسترهایی است که بتواند در جهت جرم‌انگاری پول‌شویی مورد استفاده قرار گیرد. این بحث در حقوق ایران در دو قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) اصل ۴۹ قانون اساسی و قوانین مربوط به چگونگی اجرای آن

موضع قانون‌گذار ایران در مورد ثروت‌های نامشروع و غیرقانونی در اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشخص شده است: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در

صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود».

هرچند عبارت «سایر موارد غیر مشروع» در این اصل حصری بودن مصادیق مذکور را منتفی ساخته است، اما این اصل فقط ضبط و استرداد اموال نامشروع را بیان کرده است و متعرض جنبه کیفری و تعیین ضمانت اجرای کیفری آن نشده است. علاوه بر این که پول‌شویی یک اصطلاح حقوقی است که تعریف خاص خود را دارد و به هیچ وجه با آن چه که در اصل ۴۹ قانون اساسی آمده است قابل انطباق نیست.

۱۵۱

تحت حقوق

کتاب
آرکای
پول
شویی

هم‌چنین به موجب ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷: «هرگونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از مقررات قانون پس از اثبات باطل و بلا اثر است. انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد»؛

هر چند می‌توان این ماده را تا اندازه‌ای با عنوان یکی از شکل‌های پول‌شویی، یعنی پول‌شویی از طریق انتقال دارایی با علم به این که آن دارایی‌ها عواید نامشروع ناشی از جرم می‌باشد — موضوع بند الف (۱) کنوانسیون پالرمو — تطبیق داد، با این حال مقنن در این ماده مجازات کلاهبرداری را برای نقل و انتقال این دارایی‌ها مقرر نموده است.

ب) پول‌شویی به معنای خاص

تردیدی نیست که در حال حاضر در حقوق جزای ایران، جرم مستقلاً با عنوان پول‌شویی وجود ندارد. البته مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۰ «قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان»؛ (مجموعه قوانین روزنامه رسمی، ۱۳۷۰: ۷۱۴) را تصویب نموده است که مطابق آن: «به دولت اجازه داده می‌شود که به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب کنفرانس مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ برابر با ۲۹ آذر ۱۳۶۷ در ششمین جلسه عمومی، با توجه بند الف ماده ۲۸ کنوانسیون مشروط بر آن که کنوانسیون در مواردی که با قوانین داخلی و موازین اسلام معارض گردد از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعاية نباشد، ملحق و اسناد آن را مبادله

نماید». از سوی دیگر، مطابق ماده ۹ قانون مدنی ایران: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است». با وجود این، همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، این قانون منحصر به عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر است و شامل عواید ناشی از سایر جرایم نمی‌گردد. ضمن این‌که در مورد اموال ناشی از قاچاق مواد مخدر، ماده ۲۸ «قانون مبارزه با مواد مخدر» مصوب ۱۳۶۷/۲/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد: «کلیه اموالی که از راه قاچاق به دست آمده باشد به نفع دولت ضبط می‌شود».

بنابراین ملاحظه می‌شود که متن قانونی صریحی که پول‌شویی را جرم تلقی نموده و علاوه بر حکم به ضبط و مصادره اموال، به تعیین کیفر نیز پردازد در حال حاضر در حقوق داخلی ایران وجود ندارد. رویه قضایی نیز در این زمینه وجود ندارد. البته در «لایحه مبارزه با جرم پول‌شویی» که هیئت دولت در سال ۱۳۸۰ برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نموده است این مطلب مورد توجه قرار گرفته است و هر چند این لایحه مراحل نهایی را برای قانون شدن پشت سر می‌گذارد ولی هنوز به صورت رسمی به عنوان «قانون» در روزنامه رسمی به چاپ نرسیده است.

نتیجه گیری

از جمله اقدام‌های مؤثر و ضروری برای مبارزه با پدیده پول‌شویی، جرم‌انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری برای ارتکاب این عمل است. اما سؤال این است که با توجه به نظام حقوقی مبتنی بر مبانی شریعت اسلام در کشور ما و اعتبار قواعد فقهی نظیر قاعده ید، قاعده سوق و قاعده صحت آیا امکان جرم‌انگاشتن و تعیین کیفر برای این عمل وجود دارد یا خیر.

با توجه به مباحثی که در این مقاله بیان شد، نتیجه این است که هرچند در کشور ما مستندات حقوقی صریح و محکمی برای جرم‌انگاری پول‌شویی وجود ندارد و اصل ۴۹ قانون اساسی و مقررات پراکنده دیگر هیچ کدام به طور دقیق با پول‌شویی به معنای خاص مطابقت ندارد، اما در عین حال با توجه

به مبانی و آموزه‌های دین مبین اسلام نظیر منع و تحریم «أكل مال به باطل» و سیره پیشوایان بزرگ اسلام در این مورد و این که عملیات پول‌شویی که منجر به انتفاع از درآمدهای نامشروع می‌شود نیز از مصادیق بارز «أكل مال به باطل» است، از این رو عملیات پول‌شویی، عمل حرامی محسوب می‌گردد و به موجب قاعده: «التعزیر لكل عملٍ محرّم» و قاعده: «التعزیر بما یراه الحاکم»، حاکم اسلامی می‌تواند برای این گونه اعمال حرام و مضرّ به مصالح اجتماع مجازات تعیین نماید که این کار می‌تواند از مجرای قوه مقننه که از ارکان حکومت اسلامی است انجام پذیرد.

۱۵۳

تهدیه حقوق

جرم انگاری پول‌شویی

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. امام خمینی، روح الله، کتاب البیع، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۶، جلد ۳.
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، دار احیاء الکتب العربیة، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق، ج ۱.
۴. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۹۹۴م، ج ۱.
۵. ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، بی تا، ج ۱۱.
۶. اسماعیلی، اسماعیل، أكل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری، مجله فقه، سال اول، شماره ۱، پائیز ۱۳۷۳.
۷. امامی، محمد جعفر و آشتیانی، محمد رضا، ترجمه گویا و فشرده نهج البلاغه، قم، مدرسه امام علی ابن ابی طالب، چاپ دهم، ۱۳۷۵، ج ۱.
۸. امینی، عبدالحسین، الغدیر، تهران، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، چاپ ششم، ۱۳۸۰، ج ۸.
۹. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، بیروت، مؤسسة النعمان، ۱۴۱۱ق، ج ۲.
۱۰. جزایری، مینا، جرم پول شویی به عنوان یک جرم مستقل، مجموعه سخنرانیها و مقالات همایش بین المللی مبارزه با پول شویی، تهران، نشر وفاق، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۱. جعفری، محمدتقی، ترجمه، شرح و تفسیر نهج البلاغه، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۳.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، جلد ۶ و ۱۸.
۱۳. حیدری، علی مراد، تطهیر پول در اسناد بین المللی و حقوق جزای ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۲: ۱۳۵
۱۴. خویی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، قم، مؤسسه احیاء الآثار الامام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، ج ۱.

۱۵. خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، قم، انتشارات وجدانی، بی تا، ج ۲.
۱۶. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الکریم، الشهیر بتفسیر المنار، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا، ج ۲.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ۱۳۸۰، ج ۴.
۱۸. طبرسی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمکتبه الحیاة، بی تا، ج ۱.
۱۹. فخر رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱۰.
۲۰. قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان، ۱۳۷۰.
۲۱. قانون مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۶۷.
۲۲. قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳.
۲۳. قرطبی، ابی عبدالله محمدبن احمد الانصاری، الجامع لإحکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۵م، ج ۲.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲.
۲۶. گرجی، ابوالقاسم، آیات الاحکام (حقوقی و جزایی)، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۷. متین، احمد، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، تهران، انتشارات رهام، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۸. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۰.
۲۹. محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، تهران، نشر دادگستر، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۰، ج ۳.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه الامام علی (ع)، چاپ چهارم، ۱۴۱۶ق، ج ۱.
۳۲. موسوی بجنوردی، محمدحسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ج ۴.
33. Abriet history of money laundenig, htt //www. Countermoney laundering . com/po8. html
34. Billy steel, money laundenig http// www.laundry man.u – net . com /page2 – wisml. Html
35. The council of Europe convention: The council of Europe convention on Laundering,

- search, seizure and confiscation of proceeds from crime, 141, nov. 8.1990.
36. The FATF REPORT: the report of the financial Action task force (FATF) on money laundering. April 19,1990
 37. The Vienna convention: the 1988 un Convention against illicit Trafficin narcotic Drugs and psychotropic substances, un Doocs. E/conf, 82/15 and E/conf. 82/14,Des. 19.1988
 38. United Nations convention Against transnational organized Crime

۱۵۶

تہذوق

سال اول / تابستان ۱۳۸۳